



عکس از مریم مجد

گفت‌وگو با نجمه آبتین؛ از المپیک پکن تا حس زیبای مادری:

## شاید یک روز برگردم



گفت و گو  
آزاده پیراکوه

@Apirakouh

هر چهار سال یک بار در همین روزهایی که تولدش را جشن می‌گیرد، دلش پرمی‌کشد به جایی که کارهای نیمه‌تمام زیادی دارد؛ به جایی که المپیک برگزار می‌شود و همه اتفاق‌هایی که در حوالی پکن برایش افتاد را مرور می‌کند. البته امسال حال و هوای او هم فرق می‌کند. المپیکی در کار نیست و او هم مدتی است از ورزش قهرمانی دور شده و برای مراقبت بیشتر از فرزندش، ترجیح داده تمام این چند ماه اخیر را در قرنطینه بماند. نجمه آبتین، اولین دختر کمانداری است که سهمیه المپیک گرفت و راهی المپیک ۲۰۰۸ شد و با استعدادی که نشان داد، باید راه طولانی‌تری را در ورزش قهرمانی سپری می‌کرد اما مجبور شد دور شود و حتی وقتی مدتی قبل برای مربیگری تیم ملی به او پیشنهاد شد، فضا را برای برگشت مناسب ندید و همه اینها، در کنار برنامه‌هایی که برای آینده دارد، بهانه خوبی است برای صحبت با این مادر قهرمان؛ در حالی که تازه قدم به ۳۸ سالگی گذاشته است.

**تولدت مبارک. احتمالاً تولد متفاوتی را نسبت به همه سال‌های قبل داشتی.**

ممنونم. همه ما روزهای متفاوتی را سپری می‌کنیم. چند ماه است که به خاطر سلامت فرزندم، در خانه مانده‌ام. از ابتدا این حرف که بچه‌ها کرونا نمی‌گیرند را قبول نکردم و به همین خاطر همه برنامه‌هایی که در بیرون از خانه داشتم را به خاطر فرزندم تعطیل کردم. باشگاه نمی‌روم و فقط در خانه ورزش می‌کنم. البته در مورد تولد هم باید بگویم که دوبار سورپرایز شدم که خیلی برایم جالب بود.

**در تولد ۳۸ سالگی، چه آرزویی داری؟**

حرف دلم را می‌گویم. آرزو می‌کنم مردم ایران طوری زندگی کنند که لایقش هستند. من دلم نمی‌خواهد حتی یک نفر در ایران باشد که سطح زندگی پایینی داشته باشد. وقتی می‌بینم مردی با همسر و فرزندش کنار پیاده‌رو نشسته و دستفروشی می‌کند، دلم درد می‌گیرد. چرا ما باید چنین شرایطی را داشته باشیم. آرزویم در روز تولدم این بود که زندگی برای مردم کشورم بهتر شود و شرایطی به وجود بیاید که بچه‌ها بتوانند آینده درخشانی داشته باشند.

**گفتید که شش ماه است در خانه مانده‌اید. این مدت در خانه ماندن**

می‌توانستیم به مدال برسیم. اما شرایطی را رقم زدند که نگذاشتند ادامه بدهم.

و در این مدت شاهد روند نزولی تیم ملی بودیم که سهمیه نگرفتن برای المپیک ریو به جز زهرا نعمتی که از بخش پارالمپیک توانست سهمیه بگیرد) و تک سهمیه برای توکیو (تا به این لحظه) می‌تواند ملاکی برای این ادعا باشد.

من خیلی پیگیر تیم ملی نبودم و از وضعیت رکوردها اطلاعی ندارم و نمی‌توانم قضاوت کنم. اما چیزی که می‌دانم این است که اگر برای بچه‌هایی که ۱۵،۱۰ سال پیش در این رشته فعالیت می‌کردند، حاشیه درست نمی‌کردند، امکان کسب مدال المپیک را داشتیم. تیر و کمان رشته فرسایشی است و از نظر روانی باید شرایط خوبی فراهم باشد اما در آن زمان، مسئولان صد در صد مقصر بودند و نگذاشتند ما کارمان را انجام دهیم. برای این رشته تمرین مدام نیاز است و کسی که می‌خواهد به موفقیت برسد، باید آهسته و پیوسته جلو برود. برنامه من هم همین بود اما همه چیز متوقف شد.

**دلت برای آن حجم از تمرین فشرده و حضور در مسابقه‌ها تنگ می‌شود؟**

خیلی زیاد. حتی خیلی وقت‌ها به حضور دوباره‌ام در المپیک فکر می‌کنم. من ورزشکاری هستم که به المپیک رفته‌ام اما راضی نشده‌ام و پرونده ورزش قهرمانی در ذهنم بسته نشده است. آرزوهایی دارم که در ورزش جا مانده‌اند. من آنقدر به این موضوعات فکر می‌کردم که حتی تا چهار سال قبل خیلی جدی تیراندازی می‌کردم. البته الان که سرگرم فرزندم هستم، کمی خودم را از این فکرها رها کرده‌ام اما به هر حال چیزهایی است که همیشه در گوشه ذهن و قلبم وجود دارد. پس با توجه به اینکه در رشته تیر و کمان سن مطرح نیست، ممکن است برگردید؟ خدا را چه دیدید؟ شاید برگشتم.

**با توجه به سختی‌هایی که کشیدی، آیا اجازه می‌دهی، فرزندت همین رشته را ادامه**

**بدهد؟**

اصلاً دلم نمی‌خواهد پسرم ورزش قهرمانی را انجام دهد. دلم می‌خواهد درس بخواند؛ آن هم نه اینجا. به نظر من بچه‌ها در سیستم آموزشی ما چیزی یاد نمی‌گیرند و ترجیح این است که فرزندم در خارج از کشور تحصیل کند. ما دهه شصتی‌ها شرایط سختی را گذراندیم و به خیلی از مسائل ناخوشایند عادت داریم اما بچه‌های الان این شرایط را ندارند و من دلم می‌خواهد هم کارن و هم سایر بچه‌های ایران، بهترین شرایط را داشته باشند.

**پس به رفتن از ایران هم فکر می‌کنی.**

اگر این اتفاق بیفتد، حتماً به خاطر فراهم کردن شرایط تحصیل بهتر برای پسرم، کارن است.

در بین دختران قهرمان یک موضوع رایج است که بعد از ازدواج و بچه‌دار شدن، از دوران قهرمانی دور می‌شوند. نمونه‌هایش را بسیار دیده‌ایم؛ مثل خود شما که می‌گویی برای سه سال نخواستید هیچ فعالیتی انجام دهید. فکر می‌کنی چه عواملی باعث می‌شود که عمر قهرمانی دختران بعد از ازدواج و مادر شدن، کوتاه می‌شود؟ در حالی که در کشورهای دیگر اینطور نیست و ما قهرمانان بزرگی داریم که با کودک‌شان جشن قهرمانی در المپیک را می‌گیرند.

در کشورهای پیشرفته وقتی زنی بچه‌دار می‌شود، حقوق مشخصی دارد؛ مثل پرستار رایگان. این فرد آنقدر حمایت می‌شود که به راحتی می‌تواند بچه‌داری کند و خب طبیعی است که هم به راهش ادامه می‌دهد و هم دلش می‌خواهد فرزندانش بیشتری داشته باشد. آن ورزشکاری که بعد از بچه‌دار شدن، قهرمان می‌شود، آنقدر حمایت شده که ذره‌ای دغدغه‌ای برایش ایجاد نشده است اما اینجا وقتی یک زن بچه‌دار می‌شود، صفر تا صد مسئولیت بچه با مادر است.

**مسائل فرهنگی هم ممکن است زنان قهرمان را عقب بزند.**

ما ورزشکارانی را داشته‌ایم که بعد از ازدواج همسرانشان اجازه ندادند، ورزش قهرمانی را دنبال کنند. خب این مزید بر علت می‌شود که ما شاهد خداحافظی دختران قهرمان زودتر از موعد باشیم. البته من این مشکل را نداشتم و از طرف همسرم با ممانعتی مواجه نشدم اما به عنوان یک زن ایرانی، همه مسئولیت نگهداری فرزندم با من بوده است. آیا می‌شود حتی برای یک ساعت، بچه را پیش فرد دیگری بگذاریم؟

**فکر می‌کنم یکسری از قضاوت‌ها باعث می‌شود دختران و زنان ورزشکار از اهداف‌شان دور شوند. مثل اینکه برخی اطرافیان می‌گویند فلانی چه مادری است که فرزندش را گذاشته و دنبال ورزش یا هر حرفه دیگری رفته است. به دفعات از این حرف‌ها می‌شنویم.**

برخی از این حرف‌ها از سر ناآگاهی است که باید این مسیر را طی کنیم تا به آگاهی برسیم. البته روحیه من به گونه‌ای بوده که این حرف‌ها و قضاوت‌ها مانع نمی‌شود. اما منکر اینکه ناراحت می‌کنم، نمی‌شوم. گاهی وقتی کسی حرفی می‌زند، با خودم می‌گویم «تو که از مادرش دلسوزتر نیستی» من عاشق فرزندم هستم و معتقدم او اولویت اصلی زندگی‌ام است و حتماً بقیه زن‌ها هم همین نگاه را دارند. هر دختری دوست دارد مادر شود. اگر شرایط خوب باشد و سیستم‌طوری طراحی شده باشد که از یک مادر به خوبی حمایت شود، مطمئناً او هم می‌تواند به وظایف مادری‌اش عمل کند؛ هم استعدادش را دنبال کند و اگر ورزشکار است، دوران قهرمانی‌اش را ادامه دهد. اما وقتی مجبور به انتخاب شود؛ حتماً فرزندش را انتخاب می‌کند.